

بررسی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت پیرامون آیه مباهله

اعظم ابوالحسن عراقی^۱، روزمین فاطمه جمالی^۲

چکیده

آیه ۶۱ آل عمران که به آیه مباهله معروف است از مهم‌ترین ادله قرآنی، در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت علیهم‌السلام به‌شمار می‌آید. مفسران و دانشمندان مذهب اهل سنت در طول تاریخ درباره این آیه بحث‌های مختلفی کرده‌اند. در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع، آیه «مباهله» از نگاه مفسرین اهل سنت بررسی می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که با توجه به ظاهر آیه «مباهله» نمی‌توان ولایت و رهبری اهل بیت علیهم‌السلام را اثبات نمود؛ چون این آیه در ظاهر فقط مصداقی برای ۵ تن آل عبا می‌باشد، ولی با توجه به معنا و مفهوم آیه و مقایسه مصداق آن با دیگران، می‌توان از آن در حداقل فضیلت و برتری اهل بیت علیهم‌السلام را بهره برد. این نگارش با روش توصیفی و تحلیلی با بهره از منابع تاریخی و تفسیری به موضوع مقاله خواهد پرداخت. در رابطه با آیه مباهله دو دیدگاه در منابع اهل سنت دیده می‌شود؛ از دیدگاه برخی مفسران اهل سنت علاوه بر فضیلت ۵ تن آل عبا امامت و شایستگی آنان بر خلافت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز ثابت می‌شود و برخی دیگر آن را بر نتافتند و در اثبات امامت و جانشینی امام علی علیه‌السلام بر آیه مباهله، خدشه وارد کردند.

واژگان کلیدی: آیه مباهله، اهل سنت، مفسران، دیدگاه مفسران.

۱. استادیار گروه تاریخ، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: abolhasany313@gmail.com

۲. طلبه کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

آیه مباهله از بارزترین آیات قرآن کریم است که منزلت و فضیلت اهل بیت علیهم السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی، امام علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را آشکار می‌کند؛ زیرا پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این آیه بنا بر وحی الهی حضرت علی علیه السلام را نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده است که در حقیقت این بیان از آیه به صراحت حضرت علی علیه السلام را همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته و بدین سبب حقانیت ولایت و امامت خاندان رسالت روشن می‌شود. جریان سبب نزول آیه مباهله در کهن‌ترین آثار محدثان، مورخان و مفسران اسلامی ثبت شده است. این آیه کریمه که حکایت‌گر مباهله رسول اکرم صلی الله علیه و آله به همراه اهل بیتش با بزرگان مسیحیان نجران است در قرآن کریم چنین آمده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ هرگاه بعد از علم و دانش که درباره مسیح به تو رسید، باز کسانی با تو به محاجه و ستیر برخیزند، به آنان بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم شما هم نفوس خود را آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم...» (آل عمران: ۶۱).

درباره جریان مباهله مقالات و کتبی منتشر شده است که برخی عبارتند از:

مقاله «فاطمه قرآن» نگاهی به جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام در آیه مباهله از نظر اهل سنت، اثر محمد یعقوب بشوی، منتشر شده در شماره ۸۴ نشریه بانوان شیعه؛

مقاله «جایگاه آیه مباهله در مطالعات کلامی فریقین»، اثر موسوی کراماتی، منتشر شده در شماره دوم پژوهشنامه کلام تطبیقی در سال ۱۳۸۹؛

مقاله «بررسی دیدگاه آلوسی در آیه مباهله از منظر مفسران شیعه»، اثر محسن قاسم‌پور، منتشر شده در شماره ۸۴ نشریه علوم قرآنی در سال ۱۳۸۹.

گروهی از عالمان فریقین از دیرباز به این موضوع توجه کرده‌اند و حتی حاکم حسکانی، کتاب شواهد التنزیل را در این زمینه تألیف کرده است. مواجهه مفسران و عالمان اهل تسنن در برابر این روایات، یکسان نبوده است، ولی برخی از ایشان در مقام نفی و یا دست‌کم دخل و تصرف در معنای

برخی واژگان این آیات برآمده‌اند. (قاسم پور، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴) در رابطه با رویکرد علمای اهل سنت دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه مناقشه‌ایی همچون دیدگاه آلوسی به آیه مباهله و دیدگاه متعادل که نظر اکثر مفسران اهل سنت است.

۲. معنایابی واژه مباهله

بی‌گمان از محوری‌ترین واژه‌ها در آیه مورد بحث لفظ «مباهله» است. لغت‌نگاران ریشه مباهله را از «پهل» به معنای «رها کردن» دانسته‌اند و گفته‌اند: «به شتری که پستان‌هایش رها و آزاد شده تا بچه‌اش هرچه بخواند، شیر بخورد شتر باهل گفته می‌شود» و «به زنی که از شوهرش جدا شده و در واقع آزاد و رها گردیده امرأة باهله» می‌گویند و مباهله را از همین ریشه به معنای لعن و نفرین کردن که نوعی از دعا کردن به بدی است دانسته و آن را همان ملاعنه به معنای نفرین کردن دو گروه در برابر یکدیگر و به همدیگر یاد کرده‌اند. (فیروزآبادی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۸۹۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۷۱/۱۱)

جوهری نوشته است: «پهل به معنای نفرین کردن است و به کسی که گفته می‌شود "بَهله الله و بهلته" به معنای آن است که خداوند او را نفرین کرده و من نیز نفرین کرده‌ام و مباهله همان ملاعنه به معنای نفرین کردن دو یا چند نفر به همدیگر است. ابتهال نیز از همین ریشه به معنای تضرع کردن است و لفظ نبتهل در آیه شریفه به معنای آن است که در نفرین کردن آزاد هستیم و ناقه باهل یعنی، شتر ماده‌ای که شیر ندارد و زنی از عرب که به شوهرش بگوید: "اتیتک باهلا"، به معنای آن است که من در نزد تو آمده‌ام درحالی که شیر ندارم». (جوهری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۴۲/۴)

۳. شأن نزول آیه مباهله

هیئتی از مسیحیان منطقه نجران در شهر مدینه، خدمت پیامبر اسلام ﷺ رسیدند و گفتند که آیا فرزندی را که بدون پدر به دنیا آمده باشد، دیده‌اید؟ خداوند متعال در جواب سؤال آنها، آیه ۵۹ از سوره آل عمران را نازل فرمود و به آنها اعلام کرد که عیسی ﷺ همانند حضرت آدم ﷺ است که بدون پدر و مادر به وجود آمد. وقتی که هیئت مسیحی بر جهل و ادعای خود اصرار ورزیدند،

پیامبر اسلام ﷺ [براساس دستور الهی] آنها را به مباحله فراخواند. آنها تا فردای آن روز از پیامبر ﷺ مهلت خواستند. اسقف اعظم [روحانی بزرگ هیئت مسیحی] به آنها چنین گفت: «شما فردا به محمد ﷺ نگاه کنید. اگر برای مباحله با فرزندان و اهل خود آمد، از مباحله با او بترسید و اگر با اصحاب خود آمد، با او مباحله کنید؛ زیرا [در این صورت] چیزی در بساط ندارند». فردای آن روز پیامبر اکرم ﷺ همراه علی بن ابی طالب علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و فاطمه علیه السلام آمد. آن حضرت صلی الله علیه و آله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفته بود، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام در پیش روی او راه می‌رفتند و حضرت فاطمه علیه السلام پشت سر آن حضرت صلی الله علیه و آله بود. هیئت مسیحی نیز درحالی آمدند، که اسقف اعظم آنها پیشاپیششان بود. هنگامی که او پیامبر اسلام ﷺ را با آن چند نفر دید، درباره آنها سؤال کرد به او گفتند که این پسر عمو و داماد او و محبوبترین مردم نزد اوست و این دو پسر، فرزندان دختر او، از علی علیه السلام هستند و آن بانوی جوان، دخترش فاطمه علیه السلام است که عزیزترین مردم نزد او و نزدیکترین افراد به قلب اوست....

در این هنگام هیئت مسیحی از مباحله امتناع ورزید و اسقف اعظم مسیحیان به پیامبر اسلام ﷺ گفت: «یا ابالقاسم! ما با تو مباحله نمی‌کنیم، بلکه مصالحه می‌کنیم. پیامبر اسلام ﷺ نیز با آنها بر پرداخت جزیه مصالحه نمود». (طبرسی، ۱۹۸۶، ۲/۷۶۲) در روایتی آمده است که اسقف آنها گفت: «من صورتهایی را می‌بینم که اگر از خدا تقاضا کنند که کوه‌ها را از جا برکند، چنین خواهد کرد. هرگز با آنها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند» (فخرالرازی، ۱۹۸۵، ۸/۸۹؛ طبرسی، ۱۹۸۶، ۲/۸۶۲؛ زمخشری، ۱۴۱۵ هـ.ق).

همچنین در روایت دیگری آمده است که پیامبر اسلام ﷺ پس از امتناع هیئت مسیحی از مباحله و رضایت دادن آنها به پرداخت جزیه چنین فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث نمود، اگر آنها با ما مباحله می‌کردند، وادی آتش بر روی آنها می‌بارید». فخر رازی در ادامه می‌افزاید: «و روی انه علیه السلام لما خرج فی المرط الاسود فجاء الحسن علیه السلام فأدخله ثم جاء الحسين علیه السلام فأدخله، ثم فاطمه، ثم علی علیه السلام، ثم قال: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم

تطهیراً؛ روایت شده است که پیامبر اسلام ﷺ با یک عبای پشمی سیاه رنگ از منزل خارج شد، حسن ﷺ آمد و آن را داخل عبای خود نمود و سپس حسین ﷺ آمد، او را نیز در زیر عبای خود قرار داد، سپس علی و فاطمه ﷺ آمدند و سپس آن حضرت ﷺ فرمود: «خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد».

فخر رازی پس از نقل این روایت چنین می‌نویسد: «واعلم ان هذه الرواية كالمتفق علی صحتها بین اهل التفسیر والحديث؛ بدان که در مورد صحت این روایت بین مفسران و محدثان اتفاق نظر وجود دارد». (فخرالرازی، ۱۹۸۵، ۸/۸۹) بنابراین، قصه مباهله و سبب نزول آیه کریمه در این باره از خبرهای مورد اتفاق و وفاق مفسران، متکلمان، محدثان و مورخان اسلامی است و بلکه می‌توان خبر این ماجرا را از اخبار متواتر و یقین‌آور به‌شمار آورد. پس اصل داستان مباهله تردیدناپذیر است. همچنین مفسر اهل سنت (فخر رازی، ۱۹۸۵، ص ۴۴)، می‌نویسد: «هذه الآية دالة علی ان الحسن والحسين ﷺ كانا ابني رسول الله؛ این آیه دلالت بر آن دارد که حسن ﷺ و حسین ﷺ دو پسر پیامبر خدا ﷺ هستند».

گفتنی است که همین مطلب را می‌توان از آیات دیگر قرآنی نیز به‌دست آورد. فخر رازی در این باره به آیات ۸۴-۸۵ سوره انعام استدلال نموده است.

۴. دیدگاه‌های اهل سنت درباره آیه مباهله

نزول و ارتباط این آیه درباره حضرت علی ﷺ و حضرت زهرا ﷺ و امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ از دیدگاه فریقین مسلم و اجماعی است تا بدان حد که رساله‌ایی با عنوان اهل البيت ﷺ و آیه مباهله به قلم شیخ قوام‌الدین وشنوی نگاشته شده است که نویسنده در آن شأن نزول این آیه و ارتباط آن را با اهل بیت ﷺ از دهها کتاب اهل تسنن از سده سوم تا چهارم نقل کرده است (قاسم‌پور، ۱۳۸۹)، اما با اینکه در شأن نزول آیه در رابطه با ۵ تن آل عبا اجماع وجود دارد، مفسرین اهل سنت در برداشت از منطوق آیه و تفسیر آیه دیدگاه متفاوتی ارائه داده‌اند.

۴-۱. رویکرد مناقشه‌ایی در درک و فهم آیه مباهله

بعضی از مفسران اهل سنت با وجود اینکه بر فضیلت ۵ تن آل عبا با توجه به آیه مباهله اذعان کردند، ولی بر همسانی امیرالمؤمنین علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برطبق انفسنا در آیه خدشه وارد کرده و آن را نپذیرفتند. برای مثال، آلوسی در تفسیر این آیه، مناقشه کرده و چنین گفته است: «اگر انفسنا امام علی علیه السلام باشد، لازمه آن برابر دانستن آن حضرت با پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام صفات مانند بعثت، نبوت و خاتمیت است که بنا به اجماع مسلمانان چنین برابری نادرست است. اگر هم در بعضی صفات با هم مساوی و برابر باشند، مقصود شیعه در اثبات امامت حاصل نمی‌شود؛ زیرا مساوات در پاره‌ای صفات، افضلیت و شایستگی را سبب نمی‌شود که در نتیجه آن، بتوان شایستگی در تصدی منصب امامت را ثابت کرد» (آلوسی، بی تا، ۱/۱۸۱).

مناقشه‌های دیگری نیز وجود دارد که پاسخ این اشکالات داده شده است که پرداختن به آن در حوصله این مقاله نیست. ریشه باور این مفسر به دیدگاه کسانی مانند ابن تیمیه و امام فخر رازی برمی‌گردد و مواجهه او با این آیه، تقریر دیگری از دیدگاه مفسران سلفی است. خدشه‌هایی که آلوسی وارد کرده است با نکات ادبی و بلاغی تطبیق نداشته و علاوه بر آن با نظرات و تفاسیر دیگر اهل سنت درباره آیه مباهله سازگاری ندارد.

نیشابوری، مفسر دیگر اهل سنت، در تفسیر خود گفته است: «آیه مباهله در شأن اهل بیت نازل شده است» و وی سپس می‌گوید: «همیشه رافضه که شیعه باشد به این آیه استدلال می‌نماید بر افضلیت و اکملیت علی بر تمام انبیاء؛ زیرا خداوند در این آیه خداوند علی را نفس پیامبر دانسته و هیچ معنایی برای این تسمیه نیست؛ چون اتحاد حقیقی که محال است مگر مشابَهت و مماثلت بین پیامبر و علی. در این صورت، علی افضل از تمام انبیاء می‌شود. قابل ذکر است که شیعه هرگز علی را برتر از رسول الله ندانسته است». (نیشابوری، ۱۹۹۴، ذیل آیه مباهله) با این توضیح مفسر معروف اهل سنت هم اعتراف کرده که حضرت علی علیه السلام از لحاظ مشابَهت و مماثلت به منزله نفس رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد.

اکثر مفسران اهل سنت در رابطه با آیه مباهله دیدگاه متعادلی داشته و به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست، گروهی که نظر خاصی ارائه نداده و به بیان ماجرای مباهله اکتفا کرده‌اند. گروهی که علاوه بر ذکر ماجرای مباهله، فضیلت حضرت علی (ع) را نیز مطرح کرده‌اند.

اول، نقل ماجرای دیدار پیامبر اکرم (ص) با مسیحیان نجران در مباهله: مفسرانی مانند محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ هـ.ق) در تفسیر معروف خود ضمن بیان شأن نزول آیه مباهله می‌نویسد: «پیامبر اسلام (ص) برای مباهله با مسیحیان نجران، همراه علی (ع)، فاطمه (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) آمد و آماده مباهله شد، ولی آنها با پیامبر (ص) مصالحه نمودند و راضی به پرداخت جزیه شدند». (طبری، ۱۹۸۸، ۳/۲۹۹)

نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ هـ.ق) در تفسیر خود می‌نویسد: «پیامبر اسلام (ص) آنها [مسیحیان نجران] را به مباهله دعوت نمود و برای مباهله همراه علی (ع)، فاطمه (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) آمد، ولی آنها از انجام مباهله سرباز زدند. در این هنگام پیامبر (ص) به آنها فرمود: "یا اسلام بیاورید و یا جزیه بدهید." آنها به پرداخت جزیه رضایت دادند و برگشتند. پیامبر اسلام (ص) فرمود: "اگر آنها مباهله می‌کردند، همگی هلاک می‌شدند، حتی گنجشک‌های نشسته بر دیوارهایشان".» (سمرقندی، ۱۹۹۳، ۲۷۴/۱)

صنعانی مفسر قرن سوم هجری - قمری، صاحب کتاب تفسیری، به بیان روایت‌های مربوطه استناد کرده و در خلال روایت‌ها نام پنج تن را آورده و خوف و ترس مسیحیان از مباهله با پیامبر اکرم (ص) را نیز ذکر کرده است. (صنعانی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱/۱۳۰) طبرانی صاحب کتاب التفسیر الکبیر، مفسر قرن سوم هجری - قمری در شأن نزول آیه به ماجرای مسیحیان اشاره کرده و فقط پنج تن را نام برده است. (طبرانی، ۲۰۰۸، ۶۴/۲)

دوم) مفسرانی که علاوه بر نقل ماجرای مباهله به صراحت، آیه را دلیلی بر اثبات نبوت و فضیلت اهل بیت (ع) بیان کرده‌اند: عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفای ۷۹۱ هـ.ق) در تفسیر خود ذیل آیه مباهله چنین می‌نویسد: «پیامبر اسلام (ص) برای مباهله با مسیحیان نجران، علی (ع)،

فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را همراه خود آورد و به آنها فرمود: هنگامی که من دعا کردم، شما آمین بگویید. اسقف آنها گفت: ای مسیحیان! من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر خداوند را برای کندن کوه از جای خود بخواهند، [کوه‌ها] از جای خود کنده می‌شوند. با آنها مباحله نکنید که هلاک می‌شوید. سپس آنان به پرداخت جزیه راضی شدند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: "قسم به خدایی که جانم در دست اوست، اگر مباحله می‌کردند، تبدیل به میمون و خوک می‌شدند. نجران و اهل آن - حتی پرندگان نشسته بر شاخه‌های درختانشان نیز - از بین می‌رفتند».

بیضاوی در ادامه ماجرای مباحله چنین می‌گوید: «و هو دلیل علی نبوته و فضل من اُتی بهم من اهل بینه؛ این [حادثه و روایت] دلیلی بر نبوت [پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله] و دلیلی بر برتری و فضیلت اهل بیت علیهم السلام آن حضرت است که همراه او [به مباحله] آمده بودند». (البیضاوی، ۱۹۸۸، ۱/۱۶۳)

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۴۷۱ هـ.ق)، مفسر شافعی قرن پنجم به مشارکت ۵ تن در مباحله اشاره داشته و در ادامه به ماجرای کساء اشاره کرده و دعای پیامبر اکرم برای ۵ تن را آورده است: «و جعل آله تحت کسائه ثم دعا فقال: اللهم هؤلاء آلی و ال من والاهم، و انصر من نصرهم، و اخذل من خذلهم، و رجع مستجابا له بفضل من الله و رحمته» و در نهایت مسیحیان نجران با قبول جزیه مصالحه کردند. (ابی حاتم، ۱۹۹۹، ۱/۴۰۵)

در تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۳۷۰) در بیان ماجرای مباحله به آیه تطهیر و کساء نیز اشاره شده است و حضور ۵ تن که باعث شد مسیحیان با دیدن آنها متوجه عزیزترین خانواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شدند و از مباحله ترسیدند را در ادامه آورده است: «فی الذکر علی الأنفس لینه علی لطف مکانهم و قرب منزلتهم، و لیؤذن بأنهم مقدمون علی الأنفس مفدون بها. و فیه دلیل لا شیء أقوى منه علی فضل أصحاب الکساء علیهم السلام. و فیه برهان واضح علی صحة نبوة النبی صلی الله علیه و آله لأنه لم یرو أحد من موافق و لا مخالف أنهم أجابوا إلى ذلك».

زمخشری بیان می‌کند که آوردن علی بن ابی طالب علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام برای انجام مباحله، در نوع خود بر برتری و افضل بودن آنها دلالت آشکار دارد. چون اگر افراد مقدس دیگری در میان همسران و اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشتند، پیامبر

اسلام ﷺ به جای اینها، آن افراد برتر را می آورد. بنابراین نتیجه می گیریم که علی بن ابی طالب ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن ﷺ و حسین ﷺ، برترین و بافضیلت ترین اشخاص نزد پیامبر اسلام ﷺ و نیز برترین اصحاب آن حضرت ﷺ به شمار می روند. همچنین اگر در میان اصحاب آن حضرت ﷺ همین اشخاص مقدس، برتر و افضل باشند، بدون شک رهبری و خلافت امت اسلامی نیز باید پس از پیامبر اسلام ﷺ از آن امام علی ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ باشد و این حقیقتی است که با تأمل و اندیشه اساسی، می توان آن را درک نمود.

منتج از مباحث فوق و در جمع بندی از دیدگاه مفسران اهل سنت چنین است: اکثر مفسران مذهب اهل سنت، مصادیق آیه مباهله را پیامبر اسلام ﷺ، علی بن ابی طالب ﷺ، فاطمه زهرا ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ می دانند و هیچ یک از آنها شخص دیگری را در این امر با آنها شریک نمی پندارند و شاید این امر اجماعی هم باشد. مفسران در بیان مباهله و اتفاقات مربوطه به آیات و روایات استناد کردند. همچنین مفسران اهل سنت در بیان دیدگاه خود دو دسته بودند؛ تعدادی که خدشه در فهم آیه ایجاد کرده اند که متأثر از تفکر مفسران سلفی بوده اند و برخی مانند عبدالله بن عمر بیضاوی که آیه مباهله را دلیل بر فضیلت و برتری اهل بیت ﷺ معرفی نموده و به این مسئله تصریح کرده اند.

۵. نتیجه گیری

آیه مباهله از آیاتی است که بیانگر منزلت و فضیلت و ولایت اهل بیت رسول خدا ﷺ می باشد. محوری ترین گفت و گوی این آیه کریمه مباهله خاتم پیامبران به همراه گروهی از نزدیک ترین و محبوب ترین اشخاص از خاندانش یعنی، امام علی ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ با دسته ای از مسیحیان نجران است. براساس بررسی آیه مباهله و روایات مربوط به آن، نتیجه می شود که منظور از «نسائنا» در آیه مباهله حضرت فاطمه ﷺ و منظور از «انفسنا» در درجه نخست پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و سپس علی بن ابی طالب ﷺ است. بدون شک تلقی علی بن ابیطالب ﷺ به عنوان «انفسنا» به نزدیک و گرمی تر بودن آن حضرت ﷺ نزد رسول

اکرم صلی الله علیه و آله دلالت آشکار دارد، اما با این تفاوت که علی بن ابیطالب علیه السلام پیامبر نیست و بر او وحی نازل نمی شود، ولی در عین حال پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بزرگترین صحابه برای تصدی رهبری و خلافت امت اسلامی به شمار می آید.

فهرست منابع

۱. ابن‌ادریس الرازی ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد (۱۹۹۹). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: المكتبة العصرية.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. الألوسی البغدادی، أبی الفضل شهاب الدین السید محمود (بی تا). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. البیضاوی (۱۹۸۸). تفسیر البیضاوی. بیروت: دارالکتب العلمیة، بیروت.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه.ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم لابن.
۶. راغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالقلم.
۷. الزمخشری، جار الله (۱۴۱۵ ه.ق). تفسیر الکشاف. قم: نشر البلاغة.
۸. السمرقندی، نصر بن محمد (۱۹۹۳). تفسیر السمرقندی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. سمرقندی، نصر بن محمد (۳۹۵ ه.ق) تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم. بیروت: دارالفکر.
۱۰. الصنعانی، عبدالرزاق بن همام الصنعانی (۱۴۱۱). تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
۱۱. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر. اردن: دارالکتاب.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۸۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
۱۳. الطبری، محمد بن جریر (۱۹۸۸). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: دارالفکر.
۱۴. فخررازی، محمد بن عمر (۱۹۸۵). تفسیر الفخر الرازی. بیروت: دارالفکر، بیروت.
۱۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۷ ه.ق). القاموس المحیط. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۶. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد (۱۹۹۴). اسباب النزول. بیروت: دارالکتاب العربی.